

## جلوه‌های رمانتیسیم در حکایه جادالله نجیب الکیلانی و ورق پاره‌های زندان بزرگ علوی

اکرم رخشنده نیا\*

فرهاد رجبی\*\*

نگار علی نژاد\*\*\*

### چکیده

از جمله تحولات عظیم در ساختار و بنیان ادبیات جهانی، جنبش رمانتیسیم است که در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ نوعی نیاز معنوی، فردی و اجتماعی دست به دست هم دادند و مکتب رمانتیسیم را به وجود آوردند. رمانتیسیم مکتب طبقه نوخاسته و متوسط بود که با در هم شکستن اشرافیت و بها دادن به احساسات فردی؛ اشرافیت و اخلاق پوسیده را تباه ساخت و به طبیعت، آزادی، گمنامی و تنهایی، شور و نشاط و عشق به زندگی، نگرانی از سرنوشت مردم، ناکامی و غربت‌گزینی، تشاوم و یاس، تیره بینی و مرگ اندیشی، وطن پرستی، احساسات و هیجانات روحی و عاطفی، گریز از واقعیت، تنهایی، پناه بردن به خاطرات گذشته و اعتراض به ناهنجاری‌های جامعه توجه ویژه نمود. در این میان نثر معاصر عربی و فارسی نیز در دوره‌های مختلف و به ویژه در دوران معاصر، متأثر از مکتب رمانتیسیم و تجلی بخش مظاهر مختلف آن بوده است که از جمله‌ی آنان نجیب الکیلانی نویسنده معاصر مصری و مجتبی بزرگ علوی نویسنده می‌باشند؛ چرا که هر دو متأثر از شرایط زندگی، تحمل زندان، سختی‌ها و مبارزات خود، به خلق آثاری با محتوا و مضامین رمانتیسیم دست زده اند..

واژه های کلیدی: رمانتیسیم، حکایه جاد الله، ورق پاره های زندان، بزرگ

علوی، نجیب الکیلانی

rakhshandeh1982@yahoo.com.

\*عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان

\*\*عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان

\*\*\*دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان

مکتب رمانتیسیم در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ به دنبال مکتب کلاسیک در انگلستان ظهور کرد. از این رو آغاز قرن ۱۹ را باید شروع عصر جدیدی در ادبیات اروپا دانست که دامنه آن در برخی عرصه‌ها تا به امروز کشیده شده است. از ویژگی‌های بارز این مکتب می‌توان، به طبیعت، دور شدن از واقعیت، توجه به احساسات و هیجانات فرد، گریز از اجتماع، مخالفت با خرد، درون‌نگری، حقوق اجتماعی، ظلم ستیزی و طغیان علیه قواعد ادبی مرسوم اشاره نمود.

رمانتیسیم به فرد هویت بخشید به همین دلیل نثر، شخصیت پیدا کرد و داستان کوتاه و بلند بیشتر مورد توجه قرار گرفت و به پیدایش رمان‌های شخصی، تاریخی، عشقی و تحلیلی منجر شد. این مکتب نوظهور به سرعت توانست ادبیات دیگر ملل جهان را تحت تاثیر قرار دهد و نویسندگان آثار داستانی از طریق ترجمه رمان‌ها و داستان‌ها با سبک و مفاهیم و فنون مختلف این مکتب آشنا شدند از این رو به تقلید و الگوبرداری از نویسندگان غربی پرداختند و پذیرایی مضامین و آموزه‌های مکتب رمانتیسیم شدند در این میان از جمله کسانی که با این جریان ادبی گسترده همراه شدند بزرگ علوی از نویسندگان مشهور ادبیات معاصر ایران و نجیب الکیلانی نویسنده و شاعر معاصر مصر بود، هر دو نویسنده به دلیل عضویت در گرایش و حزبی خاص، دستگیر و سالهای طولانی در زندان به سر می‌برند، حس بدبینی نسبت به اوضاع جامعه و خفقان موجود در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی انگیزه نگارش داستان را در آنان ایجاد کرد تا آنجا که با تحمل شرایط سخت و ممنوعیت نگارش در زندان، داستان‌هایی را به زیور نگارش آراسته کردند که از آن جمله، داستان «ورق پاره‌های زندان» بزرگ علوی و «حکایه جادالله» نجیب الکیلانی است. در هر دو داستان، در لابه لای توصیف زندگی و حالات درونی زندانیان و بیان شرایط حاکم بر جامعه، جلوه‌های رمانتیسیم مشترکی انعکاس یافته است.

درباره زندگی و آثار بزرگ علوی و نجیب الکیلانی اگرچه کتاب‌ها و مقالاتی چاپ شده است اما به صورت تطبیقی آن هم از منظر رمانتیسم و بررسی تطبیقی جلوه‌های این جریان ادبی در داستانی از این دو نویسنده بزرگ معاصر پژوهشی ارائه نشده است؛ لذا در این پژوهش سعی بر آن است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه دو اثری که از داستان‌های اوایل حیات ادبی علوی و کیلانی محسوب می‌شوند به بررسی جلوه و مظاهر مشترک رمانتیسم در آن بپردازیم.

## ۲-نگاهی کوتاه به مکتب رمانتیسم

درباره اصل و ریشه لغوی کلمه رمانتیسم و سیر تاریخی آن تعاریف فراوانی ذکر شده ولی رای برتر این است که ریشه اصلی رمانتیسم «Roman» است به معنی قصه طولانی خیالی، یا داستان‌های مخاطره آمیزی که در قرون وسطی رایج بوده است (الایوبی، ۱۹۸۴: ۴۲). رمانتیسم سرآغاز عصر نوین اندیشه و ادب به شمار می‌آید و در تاریخ تجدد فکری اهمیتی بسزا دارد؛ زیرا این نهضت که مقدمات آن از قرن هجدهم میلادی فراهم گردید و خود مشتمل بر مبانی و اصولی بود؛ راه را برای احقاق حقوق انسان‌ها و به پا شدن انقلاب‌ها هموار کرد و همزمان با آنها پیش رفت. از سوی دیگر جنبش رمانتیسم زمینه را برای مکتب‌های جدید ادبی که از پی آن آمدند هموار ساخت. پیروان مکتب رمانتیسم کاملاً بر خلاف مکتب ادبی کلاسیسم خرد گرایی را انکار کردند و به جای خرد، عاطفه را جایگزین ساختند. (میرقادری، ۱۳۸۵: ۱۰۴). گرایش به رمانتیسم که منشا آن از سرزمین‌های غربی می‌باشد در عصر نهضت گسترش یافت تا بدان جا که تلاش برای مشخص کردن چارچوب عمومی مکتب رمانتیسم فزونی یافت. از جمله مشکلاتی که در این مسیر وجود داشت متمرکز کردن رمانتیسم در یک قالب جامع و مانع بود؛ این گرایش در حقیقت از قید و بندها بیزار و از حد و مرزها دوری می‌جست و بیشتر ناقدان و نویسندگان آن به عاطفه عمیق و خیالی دور از واقعیت زندگی و رها شدن از بشر، پایبند بودند (ابوالشباب، ۱۹۸۸: ۱۹۵).

رمانتیک ها قالب مشخص کلاسیک ها را بهم ریختند، و توجه به شکل، قالب و زبان را در درجه دوم اهمیت قرار دادند و کوشیدند تا بین شکل و مضمون، توازنی سالم و طبیعی برقرار کنند که منبع آن گنجینه ای از احساس و عواطف، خیال و اندیشه ی گسترده و آزاد است نه ذخیره لغوی و بلاغی. از مهمترین دستاوردهای ادبیات رمانتیک آزادی تعبیر و ظهور شعر غنایی و وجدانی و شکستن اصول کلاسیک ارسطویی و ادب بر پایه تقلید است (الکیلانی، ۱۳۷۶: ۸۵).

از این رو اثری رمانتیک است که موضوع و محتوایی عاطفی و احساساتی را در شکل و صورتی تخیلی و خلاقانه به تصویر در می آورد. رمانتیسم هنری است که آثار ادبی مناسبی را در اختیار مردم می نهد تا بیشترین لذت ممکن را به دست آورند، و این آثار توجه شایسته ای به عادات و عقاید مرسوم زمانه دارند. از سوی دیگر، کلاسیسیسم ادبیاتی را به مردم ارائه می دهد که بیشترین لذت ممکن را برای نیاکان و پیشینیان آنها فراهم می آورده است. رمانتیسم تصویر کردن پدیده های شگفت و تماشایی، توصیف مناظر و چشم اندازها، توجه دوباره به قرون وسطی، استفاده از تاریخ است. (فورست، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۰).

### ۳- سیر رمانتیسم در ایران و مصر پیشینه ملی پژوهش های ادبی

تاثیر ادبیات غرب یکی از عوامل اصلی ظهور رمانتیسم در ادبیات جدید فارسی است، ولی نباید نقش عوامل اجتماعی و فکری را نادیده گرفت. از لحاظ اجتماعی، دوره پیدایش رمانتیسم در ایران نیز همچون غرب، دوره کشمکش نو و کهن و غلبه جهان نو بر جهان کهن است و رمانتیسم در ایران نیز همچون غرب آمیخته با انواع گرایش ها و دغدغه های متفاوت اجتماعی است. به طور کلی می توان گفت که در این سال ها جامعه ایران به لحاظ شکل تولید و فعالیت اقتصادی از حالت فئودالی کامل، کم و بیش خارج شده است و همین تغییرات اقتصادی و اجتماعی باعث شده تا حوزه مخاطبان ادبیات هم دچار تغییراتی گردد (جعفری، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۰).

در ایران، برخلاف کشور های اروپایی، ورود به عنصر جدید، پدیده ای خود جوش و طبیعی و برآمده از دل تحولات عمیق تاریخی نبوده است. به یک اعتبار می توان تکوین دولت قاجاریه را سر آغاز این دوره به شمار آورد. در همین دوران است که جامعه ی رختناک و خواب آلود ایران پس از چند قرن سکون و رکود، با بانگ و هیاهوی ناشی از فتنه گری های روس و انگلیس، هراسان، سر از خواب سنگین بر می دارد (جعفری، ۱۳۸۶؛ ۱۶).

در جهان غرب نیز بعد از جنگ جهانی دوم رنج انسان عربی که در خلال تمدن جدید دچار گسستگی درونی شده بود؛ آمال و آرمانهای، دردها و نگرانی هایش، در شعر رمانتیک تبلور یافت؛ رمانتیسم منادی آزادی مطلق هنرمند بود از این رو دعوت به شکستن همه قیود شعری از جمله بندهای عروضی و لغوی می نمود (رجائی، ۱۳۷۸: ۲۲۲). بیان مولفه های دقیق رمانتیسم عربی با توجه به آرای شاعران و چگونگی برخورد آنان با مسائل و محیط ادبی خویش امری دشوار است؛ به طور خلاصه می توان گفت از نظر محتوا و مضمون، رمانتیکها با پناه بردن به طبیعت و انضمام به وجدان انسانی، از حاکمیت عقل در آفرینش هنری کاستند و اثر خود را از عاطفه ای آمیخته با احساسات حزن و اندوه، تلخی و نوعی دلتنگی که گاهی به یاس و نومیدی مبدل می شد، برخوردار ساختند (هیگل، ۱۹۹۴: ۱۷۰).

در این میان مصر که یکی از کشورهای عربی فعال در زمینه داستان داستان نویسی نوین است با درک نیازها و ضرورت های زمان، الگوهای کهن قصه نویسی را کنار گذاشت و با پذیرفتن مفاهیم و مضامین جدید مکتب رمانتیسم، خود را از قید و بندها آزاد ساخت و به تکامل و پیشرفت رسید.

#### ۴- نگاهی به داستان نویسی معاصر ایران و مصر

داستان بلند به مفهوم واقعی، قبل از دوران مشروطیت در ایران سابقه چشمگیری نداشته است؛ تحولی که در نثر فارسی، در جهت ساده نویسی و دوری از صنایع بدیعی،

به ویژه سجع پیدا شد در هموار کردن راه برای ادبیات داستانی موثر بود. علل و عواملی که موجبات پیدایش نثر جدید، یعنی نگارش ساده و روان را فراهم ساختند عبارتند از آشنایی مردم با علوم و فنون اروپایی، تاسیس روزنامه‌ها و چاپخانه‌ها و ترجمه کتابها و آثار خارجی. مجموعه‌ی این عوامل موجب پیدایش نثر ساده و روان و خالی از هر گونه تکلیف و تصنع گردید و حتی نویسندگان را متوجه نثر محاوره کرد (جوادی، ۱۳۸۲: ۱۲۸-۱۲۷).

از نتایج نهضت ادبی جدید که ادبیات قدیم به آن دست نیافته بود، داستان می‌باشد. یکی از بزرگان داستان نویسی می‌گوید: هنگامی که این فن به ما رسید با رنگ‌های فرهنگ غربی آمیخته شده بود و هنگامی که دیدگان ما آن را یافت به سوی اروپا گشوده شد و از فنون و ادبش سرازیر شد (المقدسی، ۱۹۶۰: ۴۵۶). در ادبیات معاصر عرب، داستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ تا آنجا که تعداد زیادی از ادبای مشهور معاصر را داستان نویسان برجسته تشکیل می‌دهند، قصه نویسی به همان شیوه‌ی قصه‌های سنتی ادامه داشت تا اینکه در اواخر قرن ۱۹ در اثر ارتباط سرزمین‌های عربی با دنیای غرب به تدریج شیوه‌های قصه نویسی قدیم تغییر کرد (خفاجی، ۱۹۸۵: ۱۴۲-۱۴۱).

**نشستین همایش ملی پژوهش‌های ادبی**

داستان نویسی فن تازه‌ای در ادبیات دوره نهضت به شمار می‌رود که بیشتر اصول وقواعد خود را از ادبیات غربی وام گرفته و برخی از عناصرش هم برگرفته از ادب عربی گذشته می‌باشد. ملت عرب از راه ترجمه در عصر جدید با آثار داستانی ملل دیگر آشنا شد؛ آنگاه اعراب در ادب غرب، جلوه‌های داستانی متنوعی، با طبیعتی متفاوت و ذوقی، ممتاز یافتند و در پی اشغال مناطق بیشتری از سرزمین عرب و ابعاد فرصت برای استعمار گران در جهت تحمیل روشها و مفاهیمشان بر نسل جوان، نهضت ترجمه، گسترش و تنوع زیادی یافت. ادیبان بزرگی به ویژه در مصر به داستان نویسی روی آوردند و سعی داشتند به مانند قصه پردازان بزرگ غربی، به لحاظ فنی و توجه به اصول داستان، هنر نمایی کنند (الدقاق، ۱۳۸۹: ۱۶۰-۱۶۲).

اقتباس و ترجمه آثار غربی شالوده و اساس رمان نویسی در زبان عربی را پی ریزی نمود تا اینکه رفته رفته رمان در زبان عربی شکل گرفت. بعد از جنگ جهانی اول داستان نویسی در جهان عرب گسترش پیدا کرد و به صورت شاخه ای قوی در آمد تا آنجا که در جهان عرب هم، داستان نویسها صاحب مکتب و اصول و مبانی شدند(بهروز، ۱۳۵۹؛ ۳۵۴). که یکی از این بزرگان داستان نویس عرب، نجیب الکیلانی است.

## ۵- بزرگ علوی و نجیب کیلانی در گذرگاه ادبیات و زندگی

### ۱-۵- بزرگ علوی

بزرگ علوی در ۱۲۸۲ در خانواده ای بازرگان و قدیمی به دنیا آمد. در هجده سالگی به آلمان رفت و بخشی از آموزش دبیرستانی و تحصیلات دانشگاهی را در آنجا به پایان رساند. در بازگشت به ایران به گروه مارکسیستی دکتر ارانی پیوست. علوی و پنجاه دو عضو دیگر این گروه در ۱۳۱۵ به زندان افتادند (کامشاد، ۱۳۸۴: ۱۶۶).

علوی تا زمان بر افتادن دستگاه استبداد و اشغال کشور در شهریور ۱۳۲۰ در زندان به سر برد سالها آشنایی با ارانی و ۴ سال اسارت در زندان و همنشینی با زندانیان که هریک از فعالان عمده جنبش اجتماعی بودند دید و جهان نگری علوی را تغییر داد؛ او پس از آزادی، تجربیات خود را از زندان های رضا شاهی در ۲ کتاب ورق پاره های زندان و پنجاه و سه نفر انتشار داد. (قاسم زاده، ۱۳۸۳: ۸۶).

علوی پس از اشغال ایران به دست متفقین و سقوط رضاشاه و آزادی از زندان، هم زمان با خدمات فرهنگی از جهت سیاسی به موسسان حزب توده پیوست و ورق پاره های زندان و پنجاه و سه نفر را در مقام حسب حال در آن فضای بالنسبه باز سیاسی نوشت (امین، ۱۳۸۴: ۱۵۳).

سالهای زندان برای علوی اگرچه همراه با صدمات سنگین شخصی و خانوادگی بود؛ اما از آنسو ماحصل تجارب و زندگی این دوران علوی موجب آفرینش های ماندنی در ادبیات معاصر ایران شده است. زندانی شدن چند ساله علوی نه تنها استعداد وی را در داستان نویسی تضعیف نکرد بلکه او را شعله ورتر و چالاکتر ساخت. ورق پاره های زندان یادها و یادداشتهای دوران زندان علوی است، او این یادداشت ها را روی ورق پاره های کاغذ سیگار، میوه می نوشت و به بیرون از زندان می فرستاد، او استبداد حکومت وقت و فضای زندان را با بیانی عاطفی و به گونه ی روایت و داستان توصیف کرده است. (احمدی، ۱۳۷۷: ۳۱). از مهمترین آثار علوی می توان به «چمدان»، «چشم هایش» و «پنجاه و سه نفر» اشاره کرد.

#### ۲-۵- نجیب کیلانی

نجیب کیلانی فرزند شیخ ابراهیم کیلانی در اول ژوئن ۱۹۳۱ میلادی در روستای شرشابه از توابع مرکز زفتی در غرب مصر دیده به جهان گشود (کیلانی، ۱۹۸۷: ۲۲۳). او به حفظ قرآن روی آورد و دوران ابتدایی را در مدرسه آمریکایی گذراند. پس از اتمام دوره دبیرستان وارد دانشکده پزشکی قاهره شد و سپس به نوشتن داستان پرداخت و بیش از هشت جایزه ملی در زمینه رمان و داستان کوتاه و تحقیقات مختلف کسب نمود؛ از جمله جایزه انجمن داستان نویسان و مدال طلای هدیه شده از طرف طه حسین و نیز جایزه مجلس عالی هنر و ادبیات را در زمینه رمان. (کیلانی، ۱۹۸۵: ۲۳۰).

بعد از چندی کیلانی به فعالیت های سیاسی پرداخت و با گروه اخوان المسلمین آشنا گشت و با اصول، ارزشها و افکار اخوان المسلمین همسو شد، لذا آگاهانه مسیر خویش را برگزید و شجاعانه عقیده خود را آشکار نمود، تا اینکه در سال چهارم دانشگاه هنگام بازگشت به روستای خود دستگیر شد. در زندان السیوط بود که انگیزه و اندیشه نگارش داستان به ذهن کیلانی راه یافت؛ او که اوضاع و احوال نابسامان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه خود را دید و دردها و مشکلات مردم و ستم



های روا شده بر زندانیان را از نزدیک لمس کرد، در این مرحله داستان را به عنوان یک قالب ادبی مناسب جهت بیان رنج های مردم و استبداد حاکمان برگزید، و در شرایطی سخت و دشوار در حالی که استفاده از قلم و کاغذ و نگارش ممنوع بود با تحمل سختی ها و شکنجه های فراوان بدین کار اقدام نمود (الکیلانی، ۱۹۸۷: ۲۳-۲۱).

کیلانی ادیب، شاعر و طبیعی است که در زمینه داستان، قصه، بررسی های ادبی و اجتماعی تالیفات فراوانی دارد. او علاوه بر اینکه در داستان به مسائل زندانیان اشاره می کند، در سه دیوان شعری «آغانی الغرباء»، «عصر الشهداء»، «کیف القاک» نیز به زندانیان و دفاع از مشکلات آنان پرداخته است. (المعوش، ۲۰۰۳: ۶۸۲-۶۸۱).

## ۶- سیری کوتاه در بر داستان علوی و کیلانی

### ۶-۱- «ورق پاره های زندان» علوی

علوی در داستان «ورق پاره های زندان» به تشریح اوضاع نامساعد ایران و دردها و مشکلات زندانیان می پردازد و مسائل و مصائب شخصیت های داستانی اش که اکثریت جزو فعالان سیاسی بودند را به تصویر می کشد؛ آنان از وضع موجود خود به شدت بیزارند؛ لذا دچار یاس، رنج و اندوه می شوند. شخصیت های اصلی داستان، مرتضی و ایرج با پناه بردن به خاطرات خوش گذشته، درد و رنج های جانکاه خویش را کاهش می دهند؛ آنان به افق های درخشان آینده ای آرمانی خود می نگرند و در انتظار عفو عمومی روزها را سپری می کنند و در نهایت، سرنوشت هر کدام از شخصیت ها به گونه ای متفاوت رقم می خورد، یکی اعدام می شود، یکی را به تبعید می فرستند، آن دیگری دچار جنون می شود و دیگری آزاد می گردد. علوی از خلال شخصیت ها، مشکلات، تضادها و درگیری های زندگی انسانی را منعکس می کند.

### ۶-۲- «حکایه جاد الله» کیلانی

کیلانی در « حکایه جادالله» به ترسیم اوضاع و شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی جامعه، زندگی یکنواخت زندان و دردها و رنج های زندانیان می‌پردازد. در داستان کیلانی، جادالله، شخصیت اصلی داستان، پیوسته از وضعیت بد اقتصادی و فقر خود ناراضیست، او از واقعیت موجود فرار می‌کند، گاه با یادآوری روزهای گذشته دچار یاس و ناامیدی می‌شود و گاه به آینده‌ای روشن چشم می‌دوزد. در زندان، شیخ البحریری و حسنین از چهره‌ها مثبت داستان هستند که تلاش می‌کنند تا دید و نگاه جادالله را تغییر دهند و بردباری و مقاومت در برابر ناملایمات را در او به وجود آورند که در نهایت، جادالله زندگی را با تمام مشکلاتش را می‌پذیرد و جهان‌بینی‌اش رنگ دیگری به خود می‌گیرد. کیلانی در توصیف شخصیت‌های داستانش، عمیق و موشکافانه به مسائل و خصوصیات درونی، طرز تفکر و احساسات آنان می‌پردازد.

#### ۷- جلوه های مشترک رمانتیسیم در «ورق پاره های زندان» و «حکایه جاد الله»

علوی و کیلانی اگر چه در نگارش داستان از مکتب ادبی رمانتیسیم تاثیر پذیرفته‌اند اما نباید انتظار داشت دو نویسنده متعلق به دو فرهنگ متفاوت، که تحت تاثیر تحولات گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی جامعه خود بودند در بیان مظاهر رمانتیسیم انطباق کامل داشته باشند، با این وجود جلوه های مشترک فراوانی در دو داستان فوق به چشم می‌خورد که ما به بررسی مهمترین مضامین مشترک آن می‌پردازیم.

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

#### ۷-۱- یاس و ناامیدی

زمینه فیزیکی و فضای اثر جایی که عمل داستان در آن اتفاق می‌افتد، در صحنه-پردازی داستان بسیار مهم است؛ مکان و زمان فیزیکی اثر و فضای فکری و محتوای آن هر دو مورد عنایت منتقدین بوده است؛ به طوری که اینک بیش از پانزده درصد از نظریات انتقادی، حاوی نقد فضای داستان است (ذوالفقاری، ۱۳۷۹: ۱۹۳-۱۹۰).

فضا و محیط زندان جایی است که انسان با نگرانی و اجبار در آنجا اقامت می‌کند و دنیای دیگری غیر از دنیای حریت و آزادی است که انسان بدون خواست قلبی به

آنجا منتقل می‌شود؛ محیطی دلگیر که همواره با نگرانی و محدودیت همراه است؛ در آنجا انسان تحت فشار قرار گرفته و حیات و زندگی جدیدی در برابر دیدگانش شکل می‌گیرد (حبیله، ۲۰۱۰: ۲۲۲).

یکی از مضامین مکتب رمانتیسیم که در داستان علوی و کیلانی نمود فراگیری دارد، یاس و ناامیدی است؛ این یاس که ناشی از فضا و موقعیت زندان است، پیوسته در طول داستان به چشم می‌خورد. در داستان علوی، زندانی سیاسی که در انتظار عفو عمومی بود، بعد از اینکه یقین پیدا می‌کند هیچ اتفاقی نمی‌افتد انتظار و امیدش به یاس و ناامیدی تبدیل می‌شود. و برای همسرش می‌نویسد: «حتی یک نفر دزد هم به عنوان عفو مرخص نخواهد شد. از این حکومت نباید منتظر هیچ گونه رفت و مروت و رحم شد؛ برعکس منتظر باشیم روزگاران سخت‌تر شود.» (علوی، ۱۳۸۶: ۶۸). و در جای دیگر زندانی مایوسی ندا می‌دهد: «زندگی مبارزه است، و مبارزه یعنی تبدیل درد شدید به درد خفیف، یعنی بالاخره درد، در این هم حرفی نیست» (علوی، ۱۳۸۶: ۲۶) که همگی بیا نگر اوج ناامیدی شخصیت‌های داستان می‌باشد.

در داستان کیلانی نیز شخصیت جادالله بعد از حضور در زندان و قرار گرفتن در موقعیت‌های مختلف دچار یاس گسترده می‌شود تا آنجا که در نظر جادالله: «يعتقد من قديم ان الرحمه و الحب و التعاون كلمات جوفاء لا منى لها فى السجن» (الکیلانی ۱۹۸۸: ۸). «همدردی، نوع دوستی و همکاری کلمات بی‌معنی و تهی هستند».

او وقتی که خفقان حاکم بر زندان و سختی‌ها و محدودیت‌ها را می‌بیند ناامید تر از همیشه به نظر می‌رسد: «ان الامور تسير من سىء الى أسوا» (الکیلانی ۱۹۸۸: ۱۳۹). «هواضع از بد به سوی بدتر می‌رود و رو به زوال است».

بنابراین شخصیت‌های هر دو داستان در مواضع و مواقع گوناگون، دچار یاس و ناامیدی شدید می‌شوند که یکی از بارزترین ویژگی‌های مکتب رمانتیسیم است.

## ۷-۲- گله و شکایت

یکی دیگر از مظاهر مکتب رمانتیسم گله و شکایت است که در اثر نارضایتی از شرایط و وضعیت موجود پدید می‌آید؛ در داستان علوی زندانی سیاسی را می‌بینیم که با قرار گرفتن در فضای زندان و هجوم عظیم تفکراتی که در او ایجاد می‌شود، چنین نغمه شکایت سر می‌دهد: «آه این فکرها که بر سر آدم می‌آید، این زجرهای روحی، این ترس‌ها، این امیدها، اینها را می‌گویند زندان، زندان قصر، زندان دوره استبداد...» (علوی، ۱۳۸۶: ۸۱).

در جای دیگر این نارضایتی ابتدا به صورت شکایت آشکار می‌شود و در نهایت به مرگ‌اندیشی می‌انجامد: «من اصلاً محکوم به سختی و مصیبت و بدبختی هستم، آخ، کاشکی محکوم به مرگ ناگهانی بودم عوض اینکه محکوم به مرگ تدریجی باشم» (علوی، ۱۳۸۶: ۷۳).

در داستان کیلانی نیز آنگاه که شخصیت جادالله، از بدبختی و فقرشان می‌نالند، به همسرش می‌گویند: «لو عندی مال لکان اول شیء فعلته هورا حراق هذه البدلة الصفراء» (الکیلانی، ۱۹۸۸: ۳۹). «اگر مال و ثروتی داشتم اولین کاری که انجام می‌دادم آتش زدن این لباس رنگ پریده و کهنه بود». در ادامه داستان و در نگاه جادالله زندگی و مسائل مختلف اینگونه جلوه می‌کند: «اصبح کل شیء قدراً مقلقا کئبیا فی نظره، انه یرید حیاة غیر الحیاة، و موقعاً غیر الموقع الذی زرعه فیها...» (الکیلانی، ۱۹۸۸: ۳۹-۴۰).

در نظر او هر چیزی اضطراب‌انگیز، آلوده و ناپاک و اندوهگین است. گویی او غیر از این زندگی را می‌خواست و جایگاهی غیر از جایگاهی که در آن واقع شده بود را طلب می‌کرد. جادالله پیوسته از شرایط و موقعیت خود و فضای آلوده زندان ناراضیست: «الفقر لا علاج له سوی المال، الجوع لا یذهب الا بالطعام، و الحرمان لا یزيله الا الشعب،

و لیست هناک نصائح تشفی العلة...الناس یخضعون و یغشون و یكذبون...  
«(الکیلانی، ۱۹۸۸: ۱۰۸).

" برای فقر و تهیدستی راهی نیست جز کسب مال وجود ندارد، گرسنگی فقط با غذا برطرف می شود، و محرومیت با چیزی جز سیری و اشباع شدن برطرف نمی شود؛ اینجا نصیحت هایی که درد تور را درمان کند نیست...مردم همدیگر را فریب می دهند و آنان کار خلاف می کنند و دروغ می گویند". بنابراین شخصیت های هر دو داستان با قرار گرفتن در محیط زندان و مواجه شدن با محدودیت های موجود، گاه به بیان نارضایتی و شکایت می پردازند و گاه به درون گرایی و انزوا طلبی روی می آورند.

### ۳-۷- گریز از واقعیت:

آزردگی از محیط و زمان موجود و فرار به سوی فضاها یا زمان های دیگر، دعوت بر سفر واقعی یا بر روی بالهای خیال، یکی از مشخصات آثار رمانتیک هاست (ثروت، ۱۳۸۵: ۸۸). فاصله بین آرزوها و واقعیات جامعه، افراد را دچار اندوه و انزوا می کند و به دنبال راه فراری می گردند تا خود را از محدودیت ها آزاد سازند؛ گریز از واقعیت یکی از مضامین برجسته مکتب رمانتیسیم است، که با توجه به ناکامی، بی عدالتی و تباهی های اجتماعی، نوعی فرار از شرایط موجود در نویسنده ی رمانتیسیم ایجاد می شود که این گریز و فرار از واقعیت بر صورتهای مختلف جلوه می کند.

### ۳-۷-۱- گریز به آینده موهوم:

گریز از واقعیت در شخصیت های داستان علوی و کیلانی به صورت گریز به آینده موهوم نمود پیدا می کند. در داستان علوی یکی از زندانیان سیاسی که به ۱۰ سال حبس محکوم بود؛ روزها را در انتظار عفو عمومی سپری می کند و به آینده ای موهوم که عفو عمومی شامل حالشان شود می اندیشد.

«آنجا زندانیان که باید آزاد شوند جمع خواهند شد و وزیر دادگستری نطقی را ایراد خواهد کرد و آن وقت ما می‌توانیم از محوطه زندان خارج شویم، در میدان جلو زندان شما منتظر ما خواهید بود، چه خواب شیرینی، چه وهمی، اما چه وهم زیبایی» (علوی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). و در جای دیگر، آنگاه که در انتظار عفو عمومی است و به آینده چشم دوخته برای همسرش می‌نویسد: «ببولی جان ما با هم می‌نشستیم، من دست تو را در دستم می‌گیرم، می‌بوسم و آن وقت تمام صفحه‌هایمان را، کهنه‌ها و نوها را از نو می‌زنیم و از آن لذت می‌بریم. اما چه آرزوهایی، چه آرزوهای دوری، دوری بسیار دوری، توقعات من غیرممکن است، شدنی نیست. خیلی زیاد است» (علوی، ۱۳۸۶: ۷۱) که نمایانگر ترسیم آینده‌ای موهوم در ذهن شخصیت داستان است.

در داستان «حکایه جادالله» نیز محفوظ، زندانی‌ای که در انتظار آزادی از زندان است، در ملاقات با همسرش چنین می‌گوید: «متی تعود ایامنا الحلوه... لعنه الله علی السجن...» (الکیلانی، ۱۹۸۸: ۷۰). "روزهای شیرین و خوش ما کی بر می‌گردد... لعنت خدا بر زندان".

شخصیت جادالله که همواره از وضعیت موجود ناراضیست از واقعیت‌های جامعه

فرار می‌کند و در پی آینده‌ای موهوم است:

«هم دائم التفكير فی المستقبل، و فی جمع المال، و البحث الدائب عن فرص الکسب و النمو من ای طریق...» (الکیلانی، ۱۹۸۸: ۳۵). "او به دنبال رفاه و ثروت بیشتر است و پیوسته در زندان در جستجوی ذهنی است تا راه مال‌اندوزی را کشف نماید".

گریز به آینده موهوم و خیالی در داستان به روشنی ظهور یافته است. نویسنده متعهد با تصور کردن و آمیختن یک سری از واقعیت‌ها، حقایق مسلم زندگی بشر را نشان می‌دهد، و خیال و پردازی نیز مانند دیگر عناصر داستان، وسیله‌ای است در دست نویسنده تا او به کمک آن، درون انسان‌ها را خوب به خوانندگان بشناساند (پراین، ۱۳۸۷: ۱۲۶-۱۲۳).

## ۷-۳-۲- گریز به گذشته

گریز از نفس، گریز از واقعیت یکی از مولفه‌های اصلی مکتب رمانتیسم است. این گریز از نفس، به سوی ابعادی است که وهم و خیال آن را به تصویر می‌کشد و به بعد مکان و زمانی که در آن نیاز حس می‌شود بر می‌گردد آنجا که آزادی و رهایی از واقعیت حاصل می‌شود. (المعوش، ۲۰۱۱: ۳۵۳).

گریز از واقعیت همان‌طور که گفته شد گاه به صورت فرار به آینده موهوم و گاه به صورت فرار به گذشته، خاطرات و بازگشت به دوران کودکی است و جادالله نیز بعد از یادآوری روزهای گذشته و سختی‌هایی که در طول زندگی داشته است به همسرش می‌گوید:

«کان عندی المال من البدایه لما عشت فی ذل... و لما قتلت... و ارتشیت... و کذبت و نافقت...» (الکیلانی ۱۹۸۸: ۳۸). "گر من از اول مالی داشتم در این ذلت زندگی نمی‌کردم، دست به قتل نمی‌زدم، رشوه نمی‌گرفتم، دروغ نمی‌گفتم و نفاق نداشتم". بنابراین شخصیت‌های هر دو داستان آنگاه که دچار رنج و اندوه و بی‌قراری می‌شوند با گریز از واقعیت موجود، می‌کوشند تا قدری از آلام درونی خویش بکاهند.

نشتمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی  
۴-۷- بدبینی و تیره بینی

برای هر انسانی چه بخواهد چه نخواهد زندگی و مرگی وجود دارد که به دنبال این حیات و زندگی ممکن است اسارت و حبسی برایش پدید آید. آنگاه که در جایگاه اسارت قرار می‌گیرد، ترس، یاس و ناامیدی و بدبینی بر او حاکم می‌شود (البرزه، ۱۹۸۵: ۱۸).

از دیگر مظاهر مکتب رمانتیسم بدبینی و تیره بینی است؛ این دید و نگاه بدبینی آنگاه که در شخصیت‌های داستان بوجود می‌آید بصورت فضای مه‌آلود و رنگ‌های تیره، نمود پیدا می‌کند و بر لحن داستان اثر می‌گذارد. در داستان علوی با زندانی ای

برخورد می کنیم که شرایط موجود در زندان، حس بدبینی را به شدت در او تشدید کرده است: «هیچ کس را قابل آن نمی دانم که با او درد دل کنم، از کجا می دانم آنکه آشکارا دلسوزی می کند در باطن جاسوس اداره سیاسی نیست.» (علوی، ۱۳۸۶: ۲۶) و در جای دیگر می گوید: «ساعت، دوازده مرتبه صدا می کند، از این ساعت تا صبح، مردگان آزادند، آزاد، آزاد. نیم شب است، چه شب وحشتناکی، هر شب همین طور سهمگین است برای آنکه زندگی ما سهمگین و جانسوز است» (علوی، ۱۳۸۶: ۱۴۸) که حاکی از بدبینی عمیق شخصیت داستان است.

در داستان کیلانی نیز حسنین که همواره در پی ارشاد جادالله است، می کوشد تا نگاه او را به زندگی و مشکلات عوض کند، اما جادالله بدبین و تیره بین شده است: «انا اعرف نصیبی یا حسنین... المعصیة و الجهل و الفقر...» (الکیلانی ۱۹۸۸: ۸۱) ای حسنین من قسمت و سرنوشت خودم را می دانم... قسمت من گناه و نادانی و فقر است».

حس بدبینی و تیره بینی جادالله به گونه های مختلف بروز می کند «الغدر طبیعه الناس» (الکیلانی، ۱۹۸۸: ۷). تا بدان جا که «پیمان شکنی و خیانت را جز سرشت انسان می داند. جادالله در موقعیت های مختلف بیان می کند: «العالم کله فساد فی فساد» (الکیلانی، ۱۹۸۸: ۶۳). «جهان سراسر فساد در فساد است». بنابراین بدبینی به عنوان یکی از مولفه های مکتب رمانتیسیم؛ از وجوه مشترک هر دو داستان می باشد، افراد با مشاهده فقر و فساد و نابرابری های موجود در جامعه دچار تیره بینی و بدبینی می شوند.

#### ۷-۵- اعتراض به ناپهنجاری های جامعه

رمانتیسیم جنبه های اجتماعی بارزی دارد و دغدغه ها و انگیزش های اجتماعی رمانتیک ها در آثار ادبی آنها هم نمود و بروز یافته است. رمانتیسیم اجتماعی نظام غیر



عادلانه وقانون را مسوول تباهی های افراد می داند و سرگذشت قربانیان اجتماع و بدبختی و سیه روزی آنان را روایت می کند (جعفری جزی، ۱۳۷۸: ۳۳۹-۳۴۰).

یکی دیگر از مضامینی که در رمانتیسیم اجتماعی مطرح می شود، دردها، مسائل و مشکلات جامعه است که گاه به صورت اعتراض به نابهنجاری های جامعه و گاه به صورت تقدیر دردهای اجتماعی نمود پیدا می کند. در داستان علوی پدری را می بینیم که به نصیحت یک فرد انقلابی می پردازد در حالی که خود نیز به وضعیت حاکم بر جامعه اعتراض دارد: « من هم مخالف این ظلم و تعدی و این استبداد هستم که کمر مردم را شکسته است» (علوی، ۱۳۸۶: ۲۸). در ادامه ی داستان تفکرات او جلوه بارزتری می یابد: « هزار خبر ممکن است اتفاق بیفتد، کی در مملکت تامین دارد؟ به هیچ و پوچ آدم را می گیرند» (علوی، ۱۳۸۶: ۳۰) که اوج اعتراض شخصیت داستان به نابهنجاریهای جامعه است.

نجیب کیلانی نیز چهره زندان، این اجتماع محصور شده را به این صورت معرفی می کند که در آن آزادی افراد تامین نیست و با فشار و منع آن را از بین می برند، ارزشهای انسانی و اصول زیر پا گذاشته می شود و هر مخالف صاحب عقیده در رنج و سختی بسر می برد و برای از بین بردن قدرتش، او را تحت فشار و شکنجه های گوناگون قرار می دهند (حبیله، ۲۰۱۰: ۲۲۴).

جداالله در بیان نابهنجاری های جامعه و توصیف شرایط زندان که ترسیمی از جامعه کوچک شده مصر می باشد براین اعتقاد است که: «القوی یلتهم الضعیف، والكذب و النفاق و التدلیس یملاً الاروقه، انها لغه العصر..» (الکیلانی ۱۹۸۸: ۹) "نیرومند ضعیف را می بلعد و دروغ و نفاق و تقلب سراسر اتاق را پر می کند، همانا آن زبان و عرف آن دوره است".

جداالله در گفتگو با دوستش حسنین از قوانین حاکم بر جامعه چنین تعبیر می کند: «القانون یبحث عن الضعفاء امثالنا یا حسنین...و الغیلان ترتع فی کل مکان...القانون مثل

خيٲ العنكبوت لا يصطاد الا الضعفاء...كن غولاً حتى لا يتهمك احد...  
«الكيلانى، ١٩٨٨: ١٦٠) "اى حسنين قانون فقط برأى ضعيفان است...بدبختى ومصيبت  
را در هر مكانى بايد چريد...قانون مثل تار عنكبوت است كه فقط ضعيفان را شكار مى  
كند...بايد غول باشى تا كسى تو را متهم نكند".

بنابراين اعتراض به نابهنجارى هاى جامعه كه به عنوان يكى از مولفه هاى مكتب  
رمانتيسم است در گفتگوى شخصيت هاى داستان به وضوح ديده مى شود. آنان حقايق  
و واقعيت هاى حاكم بر جامعه را در موقعيت هاى خاص، بيان مى كنند.

#### ٧-٦- تقرير دردهاى اجتماعى

رمانتيكها به روح و سرشت انسان با ديدي نيك مى نگرند؛ اما وقتى انسان در  
جامعه زندگى مى كند، در قلبش بديها و گناهان ايجاد مى شود. در طبقات مختلف  
جامعه حقايق طبيعى و عرفى اى نزد عموم وجود دارد كه مردم از آن دفاع مى كنند؛  
لذا هدف رمانتيكها از بيان داستانها، به تصوير كشيدن اشكال ظلم اجتماعى است كه  
فقرا و بينوايان را درمانده كرده است (زغلول سلام، بى تا: ٤٠).

يكي از مظاهر مكتب رمانتيسم اجتماعى تقرير دردهاى جامعه است؛ آنجا كه  
نويسنده به بيان فساد و دردهاى اجتماعى و بى عدالتى موجود مى پردازد. در داستان  
علوى، با زندانى اى روبرو مى شويم كه دردهاى جامعه و عالم خارج را اينگونه بيان  
مى كند: «عالم خارجى كه در آن چيزهاى منحوس، پستى، بدطينتى، حرص، دزدى،  
تقلب، ظلم و تعدى زمامداران، زجر و شكنجه اداره سياسى و هزاران پليدى ديگر  
حكمفرما بود» (علوى، ١٣٨٦: ٣٢).

او در جاى ديگر بدين گونه تصويرگر دردهاى جامعه است: « يكي را مى برند بر  
حبس تاريك، يكي را مى برند شلاق مى زنند، يكي را مى برند اعدام مى كنند، يكي را به  
تبعيد مى فرستند... يك زندانبان اقلاً روزى يك مرتبه با شكم گنده و تنه لشش به ما  
بطور مستقيم و غير مستقيم توهين و دشنام مى فرستند» (علوى، ١٣٨٦: ٦٢-٦١).

در داستان کیلانی نیز جادالله اینگونه به بیان دردهای اجتماعی موجود می‌پردازد که: «والفاسدون یزدادون فساداً و قاموس المسجونین کلمات مختاره من الفحش و البذاءة و الفجر، ذلک المكان مستفع کبیر، یطفح بالقذاره و الفتن و العفونة و هذا یجعل من المسجونین». (الکیلانی ۱۹۸۸: ۸) "فاسدان روز به روز بر فسادشان می‌افزایند؛ فرهنگ لغت زندانیان، کلماتش برگزیده و آزاد از فحش و ناسزا و فساد است. آن مکان مردابی بزرگ است و در آن محیط آلودگی و پلیدی و شکنجه و زشتی سرشار است. این چیزی است که در بین زندانیان وجود دارد". جادالله در بخش دیگری از داستان با این کلمات ظهور می‌یابد: «این الرحمه اذن؟ و این العدالة و الوطنیه و الاخلاق..» (الکیلانی، ۱۹۸۸: ۱۰) "کجاست اجازه همدردی و نعدوستی، کجاست عدالت و میهن دوستی و اخلاق" که این سخنان شخصیت داستان با بیان رسای خویش از نبود عدالت و اخلاق و... شکایت می‌کند؛ اموری که از دردهای جامعه به حساب می‌آیند. بنابراین تقریر دردهای اجتماعی به عنوان یکی از مولفه های اصلی مکتب رمانتیسیم؛ در هر دو داستان به وضوح بروز پیدا کرده است، تا آنجا که شخصیت های داستان به بیان وضع موجود، فقر، محرومیت، نابرابری و تبعیض می‌پردازند.

### ۷-۷ - مرگ اندیشی ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

گرایش به اندوه و افسردگی در دوره رمانتیسیم تبدیل به نوعی آیین مطلوب و ارجمند می‌شود. به طوری که شاید بتوان آن را مشهورترین صفت رمانتیک‌ها به شمار آورد. گرایش‌های مذهبی این عصر با خصیصه کلی آن، یعنی احساس گرایی غمگانه و حزن آلود تناسب دارد. پیوند بخش عمده‌ای از این ادبیات، با مرگ و گورستان و اندوه و افسردگی آشکار است (جعفری جزی، ۱۳۷۸: ۸۴-۸۳).

در داستان علوی، مرتضی زندانی محکوم به اعدامی است که به مرگ می‌اندیشد و برای آرزو و ایمان و عقیده‌اش حاضر است زندگی‌اش را از دست بدهد: «این زندگی پر ملالت و یکنواخت من چه ارزشی دارد، آماده برای مرگ بودن زندگی را شیرین می‌کند» (علوی، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

او می‌گوید: «من از این زندگی جامد خسته شده‌ام، این زندگی که داشتم مرگ تدریجی بود، محکومیت به مرگ برای من رهایی از زجرهایی است که تحمل آن برای هیچ موجودی تحمل پذیر نیست» (علوی، ۱۳۸۶: ۱۱۸). در این کلام، شخصیت داستان علوی در حقیقت مرگ را پناهگاه خویش می‌یابد و آن را برتر و پسندیده تر از زندگی نکبت بار کنونی خویش می‌داند.

شخصیت جاد الله نیز در داستان کیلانی، بعد از مواجه شدن با دشواریهای و سختیهای زندگی چنین به مرگ می‌اندیشد: «لیتی اموت، لا یعبجنی شیء فی الحیاء...» (الکیلانی، ۱۹۸۸: ۲۵) «ای کاش می‌مردم و از این مرارت راحت می‌شدم، هیچ چیز در زندگی مرا به شگفت نمی‌آورد». بدین ترتیب شخصیت های هر دو داستان آنگاه که در آن فضای محصور حبس هستند، و امکان دست یافتن به وضعیت مطلوب فراهم نیست همواره در تنهایی و انزوای خویش به مرگ می‌اندیشند.

#### ۷-۸- افق روشن آینده

رمانتیک‌های اجتماعی در جستجوی جهان پاکی و معصومیت، جهان عدالت و آزادی و برابری بودند. گروهی از رمانتیک‌ها این جوامع آرمانی را در سرزمین‌های دور افتاده جستجو می‌کردند ولی رمانتیک‌های اجتماعی کوشش می‌کردند تا این آرمان‌ها را براساس دیدگاه‌های خوش‌بینانه خود پدید آورند آنها با پذیرفتن وضع موجود، امیدهای خود را به آینده معطوف کردند، آینده‌ای آرمانی، روشن و سرشار از خیر و نیکی (جعفری جزی، ۱۳۷۸: ۱۸۳).

یکی دیگر از مضامین مکتب رمانتیسم امید به آینده‌ی روشن است که شخصیت‌های داستان علوی با تحمل شرایط سخت زندان، همچنان به آینده‌ای روشن امیدوارند، مرتضی که در فردای آرمانی خود غرق است، گاه دچار تردید می‌شود اما نور امید بار دیگر بر قلب او تجلی می‌یابد: «زیبایی زندگی در همین ندانستگی است در همین امید که فردا بهتر خواهد شد دنیا آرامتر و زیباتر خواهد شد» (علوی، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

علوی انتظار و امید زندانیان داستان را اینگونه به تصویر می‌کشد: نگاه آرزومند زندان به این است که پس از ماه‌ها توقف در سیاه‌چال مرطوب در زندان باز می‌شود: « و از میان آن خورشید را که دورادور در مقابل او می‌درخشد، می‌بیند، این روزنه دریچه امید او برای آزادی است، از میان این دریچه بوی آزادی می‌چشد» (علوی، ۱۳۸۶: ۱۹) که حاکی از دمیده شدن روح امید در شخصیت داستان است. در ترسیم آینده‌ی آرمانی، برخی از رمانتیک‌ها با دید اجتماعی‌تری به آینده می‌نگرند و رسیدن به آن را مستلزم تلاش و کوشش و از خودگذشتگی بسیار می‌دانند (جعفری جزی، ۱۳۷۸: ۱۸۴).

جادالله نیز در داستان کیلانی همواره در تلاش و تکاپوست، «ولا یضیع فرصه الا اذا استفاد منها، کل شیء فی الحیاء له ثمنه، و کل شیء ممکن تغییره، و هو لا ینقصه شیء ذوقیمه لتحقیق آماله...» (الکیلانی ۱۹۸۸: ۶). "او هیچ فرصتی را از دست نمی‌دهد و تغییر هر چیزی را ممکن می‌داند؛ او هیچ چیز ارزشمندی را که برای رسیدن به آرزو- هایش کمک کند از دست نمی‌داد".

او به امید آینده‌ی روشن، در خیال خود چنین تصور می‌کند: «یصبح امینا له... ثم عضواً فی المركز... وبعد المركز المحافظة... و یظل یصعد سلم المجد... حتی یصبح عضواً فی مجلس الامه». (الکیلانی ۱۹۸۸: ۱۴۳) "به آرزویش می‌رسد و عضو سازمان دفاع می‌شود سپس پله‌های بزرگی را طی می‌کند، تا اینکه عضوی در مجلس مردم می‌شود". بدین ترتیب رمانتیک‌ها گاه به جای توجه به گذشته، به آینده چشم می‌دوزند؛ وافق روشن آینده را گسترده و در عین حال دست‌یافتنی می‌پندارند و برای رسیدن به آینده آرمانی خود تلاش می‌کنند.

بنابراین با بررسی داستان «ورق پاره‌های زندان» و «حکایه جادالله» با مضامین مشترک فراوانی روبه‌رو می‌شویم؛ علوی و کیلانی که در اثر اوضاع نابسامان اجتماعی و خفقان و محدودیت‌های موجود در جامعه دستگیر شدند، زندان را آوردگاهی مطلوب، برای نوشته‌هایشان یافتند. دو نویسنده بزرگ معاصر با دو فرهنگ متفاوت

دغدغه های اجتماعی و مردمی یکسانی داشته اند که این همسانی و اشتراک در به کارگیری مضامین رمانتیسم به وضوح مشاهده می شود.



انجمن علمی زبان ادبیات فارسی



ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

## نتیجه‌گیری

ادبیات هر عصری همچون دیگر انواع ادبی محصول اوضاع و احوال جامعه است و تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه را منعکس می‌کند. ادبیات معاصر ایران و مصر از طریق ترجمه آثار غربی و سفر به کشورهای اروپایی با دستاوردهای تمدن غرب از جمله مکاتب و انواع جدید ادبی آشنا شدند که از مهمترین آنها مکتب گسترده و دامنه‌دار رمانتیسم بود. علوی و کیلانی در دو داستان خود فضای زندان، حالات شخصی و عقاید زندانیان و اوضاع حاکم بر محیط زندان را روایت می‌کنند که در هر دو جامعه و توصیف شرایط زندان، رنج، عذاب، شکنجه، محدودیت و سختی موج می‌زند. با مطالعه و بررسی دو داستان یاد شده جلوه‌ها و مظاهر مشترک زیادی از مکتب رمانتیسم را مشاهده می‌کنیم که از جمله مهمترین آنها: آزادی، عدالت، حقوق اجتماعی، تیره‌بینی، یاس، خیال‌پردازی، امید به آینده، اعتراض به ناهنجارهای جامعه، ظلم ستیزی، بدبینی، ناامیدی، تقدیر دردهای جامعه، گله و شکایت ناامیدی و مرگ‌اندیشی است. شخصیت‌های داستان علوی، آنگاه که خفقان، ظلم، فساد و بی‌عدالتی را در جامعه می‌بینند، ناامید از جهان خارج در یاس و اندوه فرو می‌روند و به درون خود پناه می‌برند و با یاد آوری روزهای خوش گذشته و امید به آینده ای روشن روزها را سپری می‌کنند. این در حالی است که شخصیت‌های داستان کیلانی اگرچه از اوضاع اجتماعی، اقتصادی جامعه خود ناراضی هستند و از واقعیت‌های موجود می‌گریزند اما در پایان، گریزگاه و پناه‌گاه نهایی شان خدا و دین است؛ کیلانی در زندان، صفات و ارزش‌های اسلامی را در قالب رفتار و گفتار شخصیت‌ها بیان می‌کند. در این داستان تعلیم باورهای دینی تا بدانجا پیش می‌رود که در نهایت جادالله زندگی را با تمام مرارت‌ها و سختی‌هایش دوست می‌دارد و می‌گوید: دنیا را باید از فساد پاک کنیم و شیاطین را از بین ببریم.. راه حلی جز این نیست. بنابراین داستان بزرگ علوی و نجیب کیلانی که در شرایط اجتماعی مشترکی به نگارش در آمده به نحوی برجسته و بارز، تداعی گر جلوه‌های رمانتیسم به ویژه در ترسیم فضای اجتماعی نامطلوب جامعه و تقریر دردهای اجتماعی است.

## منابع

ابوالشباب، واصف، القديم و الجديد فى الشعر العربى الحديث، بيروت، دار النهضة العربية، ١٩٨٨م.

امين، حسن، ادبيات معاصر ايران، چاپ اول، تهران، انتشارات دار المعارف ايران شناسى، ١٣٨٤.

الايوبى، ياسين، مذاهب الادب: عالم و انعكاسات الطبعث الثانىظ، بيروت، دارالعلم للملايين، ١٩٨٤.

البرزة، احمد مختار، الاسر و السجن فى شعر العرب، الطبعة الاولى، بيروت، مؤسسة علوم القرآن، م ١٩٨٥م.

بهروز، اكبر، تاريخ ادبيات عرب، چاپ اول، تبريز، انتشارات دانشگاه تبريز، ١٣٥٩.

پراين، لارنس، تأملى ديگر در باب داستان، ترجمه محسن سليمانى، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سوره مهر، ١٣٨٧.

جعفرى، مسعود، سير رمانتيسم در ايران، چاپ اول، تهران، نشر مركز، ١٣٨٦.

\_\_\_\_\_، سير رمانتيسم در اروپا، چاپ اول، تهران، نشر مركز، ١٣٧٨.

حاج سيد جوادى، حسن، تهران، بررسى و تحقيق در ادبيات معاصر ايران، چاپ اول، گروه پژوهشگران ايران، ١٣٨٢.

حبيله، الشريف، بنىء الخطاب الروائى دراسة فى روايات نجيب الكيلانى، الطبعة الاولى، اربد، عالم الكتب الحديث، ١٤٣١هـ.

خفاجى، محمد عبدالمنعم، مذاهب الادب، الطبعة الاولى، قاهره، المطبعة المنيرية بالازهر، ١٩٥٣م.



الدقاق، عمر، با کاروان ادب (سیری در تاریخ ادب عربی از آغاز تا دوران معاصر) ،  
ترجمه: رضا ابوترابی، چاپ اول، مشهد، مردییز، ۱۳۸۹.

ذوالفقاری، محسن، تحلیل سیر نقد داستان در ایران از استقرار مشروطیت تا انقلاب  
اسلامی، چاپ اول، تهران، نشر آتیه، ۱۳۷۹.

رجائی، نجمه، آشنایی با نقد ادبی معاصر عربی، چاپ اول، مشهد، انتشارات دانشگاه  
فردوسی مشهد، ۱۳۷۸.

زغلول سلام، محمد، دراسات فی القصة العربیة الحدیثة، الناشر المعارف  
بالاسکندریة، لا تا.

علوی، بزرگ، ورق پاره های زندان، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۶.  
فورست، لیلیان، رمانتیسیم، ترجمه مسعود جعفری، چاپ چهارم، تهران، نشر مرکز،  
۱۳۸۵.

قاسم زاده، محمد، داستان نویسان معاصر ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات هیرمند،

۱۳۸۳ **سومین همایش ملی پژوهش های ادبی**

کامشاد، حسن، پایه گذاران نثر جدید فارسی، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴.

۱۳۹۱ **۵ و ۶ دی ماه**  
الکیلانی، نجیب، اسلام و مکاتب ادبی، ترجمه نوید کاکاوند، چاپ اول، تهران، حوزه  
ی هنری تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.

الکیلانی، نجیب، رحلتی مع الادب الاسلامی، الطبعة الاولى، بیروت، موسسه الرسالة،  
۱۹۸۵ م.

\_\_\_\_\_، حکایة جاد الله، الطبعة الثانية، بیروت، موسسه الرسالة، ۱۹۸۸ م.

\_\_\_\_\_، لمحات من حیاتی، الطبعة الثانية، موسسه الرسالة، بیروت، ۱۹۸۷ م.

المقدسى، انيس، الاتجاهات الادبيه فى العالم العربى الحديث، الطبعة الثالثة،  
بيروت، دارالعلم للملايين، ١٩٦٠م.

المعوش، سالم، الادب العربى الحديث، الطبعة الثانية، بيروت، دارالنهضة العربيه،  
٢٠١١م.

\_\_\_\_\_ ، شعرالسجون فى الادب العربى الحديث و المعاصر، الطبعة الاولى،  
بيروت، دارالنهضة العربيه، ٢٠٠٣م.

مير قادري، فضل الله، شعرتاملى درادبيات عربى معاصر، چاپ اول، شيراز، انتشارات  
نوید، ١٣٨٥.

هیکل، احمد، تطور الادب فى المصر، الطبعة الاولى، دار المعارف، ١٩٩٤م.

انجمن علمى زبان اديا فارسى

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱